

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور
دانشکده معارف

رساله

برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D)

رشته : مدرسی معارف اسلامی

گروه : اخلاق و عرفان

تأثیر متقابل نیکبختی جنسی و شهوات عرفانی در قرآن

محمد جواد قاسمی

اساتید راهنما:

دکتر ابراهیم فتح الهی

دکتر مهدی زمانی

استاد مشاور: دکتر محمد جواد سعدی

تیرماه ۱۳۹۱

تقدیم به :

آیت کبرای الهی، امام مبین، ثقل کبیر، مبین و مفسر واقعی قرآن کریم، که به وسیله

او عارفان و سالکان به شناخت حقیقی و شهود عرفانی دست می یابند و

تقدیم به نایب بزرگوار و پیروان و منتظران حقیقی او

تقدیر و تشکر :

از همه فرهیختگانی که در روند تکمیل این پژوهش، حقیر را یاری فرموده‌اند
به ویژه اساتید محترم جناب آقایان دکتر ابراهیم فتح الهی، جناب آقای دکتر مهدی
زمانی، دکتر محمدجواد سعدی و داوران محترم به ویژه جناب آقای دکتر محمد
کاظم فرقانی دکتر نصیری ، خانم دکتر اخلاقی ،دکتر حسنعلی نصرآبادی و

همسر متشکرم.

چکیده

شهود عرفانی، مهم‌ترین ویژگی انسان است که او را از دیگر موجودات، متمایز و او را شایسته مقام خلافت الهی ساخته است. سرچشمه‌هایی که انسان برای کسب شهود عرفانی به آن مجهز شده است، عبارتند از: حواس ظاهری، عقل و قلب که موجب شده اند انسان بتواند شناخت را به حسی، عقلی و شهود عرفانی تقسیم نماید. اغلب اندیشمندان بر یکی از این مبادی تأکید ورزیده و بر این اساس مکاتب متعددی را نظیر حس‌گرایی، خردگرایی و یا شهودگرایی پدید آورده اند که هرکدام از این مشرب‌ها از یک نحله فکری نشأت می‌گیرد. اما این سؤال مطرح است که ارتباط و تأثیر متقابل این مبادی شناختی در قرآن و آموزه‌های وحیانی چگونه است؟ لذا این رساله با ایده کشف و تبیین نوع ارتباط و تأثیر میان مبادی شناخت در قرآن، صورت گرفت.

این پژوهش از روش کیفی (از نوع توصیفی-تحلیلی) همراه با استنباط بهره برده است. از این رو با بررسی آیات مرتبط با مسأله شناخت حسی و شهود عرفانی و نیز با بهره‌گیری از تفاسیر عرفانی و منابع فریقین و نظریات صاحب نظران، نتایج، استنباط و تبیین گردید. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد:

۱- میان انواع شناخت ارتباط و تأثیر متقابل وجود دارد. شناخت حسی، که معرفتی در باره جهان محسوس است و از راه حواس ظاهری حاصل می‌شود، مقدمه‌ای برای شهود عرفانی به شمار می‌آید. شهود عرفانی پس از وحی بالاترین معرفتی است که افراد با ایجاد ویژگی‌های خاص در نفس خویش به آن دست می‌یابند. در این معرفت انسان با قلب خود، حق را در همه موجودات مشاهده و همه موجودات را به صورت به هم پیوسته و به شکل یک حقیقت زنده به نظاره می‌نشیند؛ زیرا همه هستی با یک امر خدا ایجاد شده، که فلاسفه آن را توحید فعل خدا می‌نامند.

۲- ارتباط مستقیم و متقابل بین حواس ظاهری و دریافت‌های درونی وجود دارد. از دیدگاه قرآن، هر یک از انواع شناخت حسی و شهود عرفانی دارای اعتبار، ارزشمندی و قلمرو ویژه‌ای است که در این پژوهش تبیین شده است.

۳- روش شناخت مورد تأکید قرآن، روش منحصر به فردی است که می‌توان آن را «روش جامع» نامید.

۴- واژگان قرآن، هنگامی معنای عمیق خود را می‌یابند که افزون بر حواس، با عقل و قلب هم ادراک شوند.

یعنی لفظ، معنا و روح و حقیقت الهی موجود در کلمه قرآنی همراه باهم مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن، شناخت حسی، شهود عرفانی، حواس، سمع، بصر، قلب.

فهرست موضوعات

۱۲	مقدمه.....
۲	کلیات.....
۲	بیان مسأله.....
۶	سؤال‌های تحقیق.....
۶	فرضیه‌ها.....
۷	ضرورت انجام تحقیق.....
۸	روش تحقیق.....
۸	روش و ابزار گردآوری اطلاعات.....
۸	جنبه جدید بودن و نوآوری طرح.....
۹	هدف‌ها.....
۹	نتایج کاربردی پیش بینی شده تحقیق.....
۱۰	پیشینه تحقیق.....
۱۱	دامنه پژوهش.....
۱۱	تعریف برخی از واژگان کلیدی.....
۱۸	فصل اول.....
۱۸	مبانی و پیش فرض‌ها.....
۱۸	۱- مبانی و پیش فرض‌ها.....
۱۸	۱-۱ شناخت.....
۱۸	۱-۱-۱ مفاهیم مرتبط با شناخت.....
۲۰	۲-۱-۱ اهمیت شناخت.....
۲۰	۳-۱-۱ ابزار و منابع شناخت.....
۲۱	۴-۱-۱ انواع شناخت.....
۲۲	۱-۴-۱-۱ تقسیم شناخت بر اساس مبادی.....
۲۳	۲-۴-۱-۱ تقسیم شناخت به حصولی و حضوری.....
۲۵	۳-۴-۱-۱ براساس شیوه حصول.....
۲۵	۴-۴-۱-۱ بر اساس حالات شناسنده.....
۲۶	۵-۱-۱ آفات شناخت جامع.....
۳۱	۶-۱-۱ راه‌های تقویت شناخت جامع.....
۳۴	۲-۱ شهود.....
۳۴	۱-۲-۱ تعریف شهود.....

۳۶	۲-۲-۱	اهمیت شهود عرفانی
۳۸	۳-۲-۱	وسایل و ابزار شهود عرفانی
۴۳	۴-۲-۱	نسبت فؤاد با قلب، صدر و لب
۴۴	۳-۱	خلاصه فصل
۴۶		فصل دوم
۴۶		شناخت حسی در قرآن
۴۶	۲-	شناخت حسی
۴۷	۱-۲	اهمیت شناخت حسی در قرآن
۴۸	۲-۲	واژه حس در قرآن کریم
۴۹	۳-۲	جایگاه شناخت حسی در قرآن
۵۱	۴-۲	بررسی اعتبار شناخت حسی از دیدگاه قرآن و دانشمندان
۵۴	۵-۲	شناخت با انگیزه مادی از دیدگاه قرآن
۵۶	۶-۲	هدف از آفرینش حواس در انسان
۵۷	۷-۲	شناخت حسی از طریق سمع در آیات
۵۸	۱-۸-۲	شناخت حسی از طریق بصر در آیات
۵۸	۲-۸-۲	اهمیت دستگاه بینایی
۶۰	۱-۹-۲	حس لامسه در قرآن
۶۱	۱-۱۰-۲	حس ذائقه در قرآن
۶۴	۲-۱۰-۲	اهمیت ذائقه
۶۴	۳-۱۰-۲	رابطه ذائقه با حواس
۶۷	۱-۱۱-۲	حس بویایی در قرآن
۶۸	۱۲-۲	ترتیب حواس پنج گانه
۷۰	۱۳-۲	میزان کارایی سمع و بصر
۷۲	۱۴-۲	چگونگی ادراک لذت و الم توسط حواس پنج گانه
۷۳	۱۵-۲	خلاصه فصل
۷۶		فصل سوم
۷۶		شهود عرفانی
۷۶	۳-	شهود عرفانی
۷۷	۱-۳	مفاهیم کلیدی در شهود عرفانی
۷۷	۱-۱-۳	ادراک شهودی
۷۸	۲-۱-۳	شهود فطری

۸۰ شهود اولوا العلم	۳-۱-۳
۸۲ شهيد	۴-۱-۳
۸۵ شاهد و مشهود	۵-۱-۳
۸۷ شهود عرفانی با واسطه	۶-۱-۳
۸۸ عرفان	۷-۱-۳
۸۹ حیات عرفانی	۱-۷-۱-۳
۹۰ حیات طیبه	۲-۷-۱-۳
۹۱ مکاشفه	۸-۱-۳
۹۳ وحی، الهام	۹-۱-۳
۹۶ ویژگی های وحی	۱۰-۱-۳
۹۷ نسبت وحی با شهود عرفانی	۱-۱۱-۱-۳
۹۹ رؤیای صادق	۱۲-۱-۳
۱۰۱ اشراق	۱۳-۱-۳
۱۰۴ تفاوت اشراق و شهود	۱-۱۳-۱-۳
۱۰۵ یقین	۱۴-۱-۳
۱۰۶ حق	۱۵-۱-۳
۱۰۷ جایگاه شهود عرفانی در آیات	۲-۳
۱۰۸ مفاهیم مرتبط با شهود عرفانی در قرآن	۱-۲-۳
۱۰۹ استعداد انسان در شهود عرفانی	۲-۲-۳
۱۰۹ آثار و نتایج شهود عرفانی	۳-۲-۳
۱۱۰ منابع شهود عرفانی	۴-۲-۳
۱۱۰ لوازم شهود عرفانی	۵-۲-۳
۱۱۲ شهود عرفانی در آیاتی از قرآن	۶-۲-۳
۱۱۵ قلمرو شهود عرفانی در قرآن کریم	۷-۲-۳
۱۱۷ شیوه های قرآنی در شهود عرفانی	۸-۲-۳
۱۱۹ جایگاه شهود عرفانی در روایات	۳-۳
۱۲۳ نقش چشم دل در شهود عرفانی	۴-۳
۱۲۵ تعریف	۱-۴-۳
۱۲۶ کارکردهای اساسی چشم دل	۲-۴-۳
۱۲۶ کارکردهای معرفتی چشم دل	۱-۲-۴-۳
۱۲۸ کارکردهای عاطفی چشم دل و تعامل با چشم سر	۲-۲-۴-۳
۱۲۹ کارکردهای اعتقادی چشم دل	۳-۲-۴-۳

۱۳۱ ۴-۲-۴-۳ کارکردهای چشم دل در امور معنوی
۱۳۶ ۳-۴-۳ یقظه و بصیرت سرآغاز شهود عرفانی
۱۳۷ ۱-۳-۴-۳ جایگاه بصیرت در آموزه های دینی
۱۳۹ ۲-۳-۴-۳ بصیرت در لغت
۱۴۰ ۳-۳-۴-۳ مفهوم بصیرت
۱۴۲ ۴-۳-۴-۳ پیوند میان عین القلب، عین البصیره و عین الیقین
۱۴۲ ۵-۳-۴-۳ عین الیقین
۱۴۵ ۶-۳-۴-۳ ارتباط میان بصر و بصیرت
۱۴۹ ۷-۳-۴-۳ سرچشمه بصیرت
۱۵۰ ۸-۳-۴-۳ الگوهای کامل بصیرت
۱۵۶ ۹-۳-۴-۳ بصیرت فطری (بصیرت اساسی)
۱۵۷ ۱۰-۳-۴-۳ ذو مراتب بودن بصیرت
۱۵۹ ۱۱-۳-۴-۳ راه کارهای های بصیرت افزایی
۱۶۲ ۱۲-۳-۴-۳ پیامدهای فقدان بصیرت
۱۶۴ ۱۳-۳-۴-۳ موانع بصیرت
۱۶۵ ۵-۳ خلاصه فصل
۱۶۸ فصل چهارم
۱۶۸ ۴- فلسفه و مبانی تأثیر متقابل شناخت حسی و شهود عرفانی
۱۷۰ ۱-۴ تأثیر مشاهده و شناخت حسی بر شهود عرفانی
۱۷۴ ۲-۴ تأثیر شهود عرفانی بر حواس ظاهری و شناخت حسی
۱۷۵ ۳-۴ رابطه متقابل ظاهر و آداب ظاهری بر باطن و شهود عرفانی
۱۷۷ ۴-۴ همراهی مشاهده با شناخت حسی و شهود قلبی
۱۸۰ ۵-۴ همراهی ابزار شناخت حسی و شهود عرفانی
۱۸۱ ۶-۴ ذو مراتب بودن همه اشیا و پدیده ها
۱۸۲ ۷-۴ همراهی دو جنبه ملک و ملکوت در همه اشیا
۱۸۴ ۱-۷-۴ رویت خدا در قیامت
۱۸۶ ۸-۴ زیارت معصومین علیهم السلام وسیله ای برای افزایش شهود عرفانی
۱۸۷ ۹-۴ پیوند میان افنده و ابصار در ادراک یا انحراف
۱۸۸ ۱۰-۴ آمادگی حواس ظاهری مقدمه ای برای شهود عرفانی
۱۸۹ ۱۱-۴ منشأ مشترک ادراکات انسان در آفرینش
۱۹۱ ۱۲-۴ دعوت به شهود عرفانی همراه با تأکید بر شناخت حسی

۱۹۲	۱۳-۴	معجزه وسیله ای حسنی برای شهود عرفانی
۱۹۳	۱۴-۴	اسلام حاصل شناخت حسنی، مقدمه ای برای ایمان و شهود قلبی
۱۹۴	۱۵-۴	نیل به شهود عرفانی از رهگذر شناخت حسنی
۱۹۵	۱۶-۴	تأثیر متقابل دیده و میل
۱۹۷	۱۷-۴	رابطه نفس و بدن
۱۹۹	۱۸-۴	تجرد انواع ادراکات
۱۹۹	۱۹-۴	خلاصه فصل
۲۰۲		فصل پنجم
۲۰۲		آثار و لوازم تأثیر و ارتباط متقابل حس و شهود
۲۰۲	۵-	آثار و لوازم تأثیر و ارتباط متقابل حس و شهود
۲۰۳	۱-۵-	نقش باورهای دینی در «استماع» مثبت
۲۰۴	۲-۱-۵-	نقش باورهای دینی در کنترل گوش
۲۰۵	۳-۱-۵-	آثار مستقیم شنوایی بر قلب
۲۰۶	۴-۱-۵-	تأثیر مستقیم باورهای منفی قلبی بر شنوایی
۲۰۷		تأثیر حالات ظاهری شنونده بر اصفا (گوش جان سپردن)
۲۰۹	۲-۵-	نقش باورهای دینی در شناخت دیداری
۲۱۰	۱-۲-۵-	تأثیر باورهای درونی بر چشم ظاهر
۲۱۲	۲-۲-۵-	تأثیرات مثبت باورهای درونی بر کارکرد چشم
۲۱۵	۳-۲-۵-	تأثیر نگاه های منفی بر باورهای قلبی
۲۱۷	۱-۳-۵-	تأثیر متقابل باورهای دینی بر قوه لامسه
۲۲۱	۲-۳-۵-	تأثیرات منفی لامسه بر باورهای دینی
۲۲۴	۱-۴-۵-	تأثیرات مثبت ذائقه بر باورهای دینی و شهود عرفانی
۲۲۴	۲-۴-۵-	تأثیرات منفی ذائقه بر باورهای دینی
۲۲۶	۳-۴-۵-	استحاله ذائقه (بولیموس)
۲۲۸	۱-۵-۵-	تأثیرات مثبت حس بویایی بر شهود عرفانی
۲۳۰	۲-۵-۵-	شامه و بوی بهشت
۲۳۱	۳-۵-۵-	تأثیرات شهود عرفانی بر حس بویایی
۲۳۲	۶-۵-	خلاصه فصل
۲۳۵		فصل ششم
۲۳۵		نتیجه
۲۳۵	۱-۶-	نتیجه کلی پژوهش و پاسخ سؤالات

۲۳۸	۲-۶ رابطه میان حواس و دریافت های درونی
۲۴۰	۳-۶ میزان کارآیی هر یک از حواس در دریافت های درونی
۲۴۱	۴-۶ تأثیر مشاهده و شناخت حسی بر دریافت های درونی
۲۴۱	۵-۶ جایگاه، امکان و اعتبار «شهود عرفانی» از دیدگاه قرآن
۲۴۳	۶-۶ شهود عرفانی ولایی
۲۴۶	۷-۶ نتیجه مهم تأثیر متقابل شناخت حسی و شهود عرفانی
۲۴۸	۸-۶ دشواری های پژوهش
۲۴۹	۹-۶ پیشنهادها
۲۵۱	فهرست منابع
۲۵۱	الف: منابع فارسی و عربی
۲۶۰	ب: مقالات
۲۶۱	ج: منابع خارجی

مقدمه

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَو لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت: ۵۳)^۱.

قرآن و عترت، دو ودیعه گرانمایه‌ای هستند، که در منابع فریقین مهم‌ترین تأکیدات بر چنگ زدن به آن دو رسیده است و تنها با اعتصام به این دو حبل متین الهی است که می‌توان به نهایت آرزویی که عارفان به آن چشم دوخته اند رسید.

اگر چه تحقیق در موضوعی به بلندای شهود عرفانی در قرآن و رابطه آن با شناخت حسی، به وسیله فردی ناچیز، همچون نگارنده، ناموزون به نظر می‌آید، اما پژوهش‌گر امیدوار است این کنکاش، گامی محدود به منظور چنگ زدن به حبل الله به شمار آید و همچنین پاسخی به احساس نیاز جامعه به موضوعات عرفانی و معنوی و ضرورت پرداختن به آن در مراکز علمی و دانشگاهی باشد.

در این پژوهش، در پی اثبات تأثیر متقابل و ارتباط موجود میان شناخت حسی و شهود عرفانی بودیم که پس از تأمل و غور به نتیجه والاتری دست یافتیم و آن این بود که روش مورد تأکید قرآن برای شناخت، «روش جامع» است. به این معنا که قرآن کریم به همه مراتب شناخت و استفاده از همه امکانات شناختی پرداخته است.

در قرآن، بالاترین مرتبه شناخت برای انسان‌های عادی که شهود عرفانی و قلبی است، به همراه پایین‌ترین مراتب آن، که شناخت حسی و همچنین شناخت پایین‌ترین عوالم به همراه شناخت بالاترین عوالم هستی و شناخت آفاق، به همراه شناخت انفس، نه تنها قابل جمع، که لازم است جمع شود. روش قرآن کریم در شناخت، روش جامعی است که وحیانی بودن (نجم: ۴) عمومیت (بقره: ۱۸۵ و مدثر: ۳۶)، جامعیت (نحل: ۸۹)، عقلانیت (نساء: ۱۷۴)، فطری بودن (روم: ۳۰)، تکیه بر شریعت (شوری: ۱۳) و ولایت (مائده: ۵۵۸) و مسئولیت‌پذیری نسبت به اجتماع و مردم (بقره: ۱۴۳) از ویژگی‌های آن است.

۱- به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟!

این روش مطابق با سرشت و شاکله انسان و حالات گوناگون او تدوین گردیده است. انسان گاهی در حالات مادی و دنیوی به سر می برد و حواس پنج گانه را به کار می گیرد و گاه در حالت عقلی، از قدرت عقلی خود بهره می برد. گاهی هم قلب آماده دریافت‌های ماورایی می شود. در این حالت، همه قوای ادراکی فعال شده و برترین معرفت‌ها را به چنگ می آورد. قرآن به عنوان جامع‌ترین کتاب آسمانی، برای همه افراد، در همه حالات، برای شناخت انواع موجودات، روش شناخت معرفی می‌کند.

ارائه آیات الهی چه در قالب الفاظ و چه در قالب اشیا، چه در عالم انفس و چه در عالم آفاق، به این منظور است که همه انسان‌ها با تمامی لوازم و مقدمات شناخت به روشنی حق را ادراک نمایند. از این رو معرفتی که با روش شناخت حسی، شناخت عقلی و شهود عرفانی به طور جامع، ظهر و بطن پدیده‌ها را همراه با هم مورد بررسی قرار می‌دهد، شناخت جامع و کاملی خواهد بود که قرآن برآن تأکید می‌ورزد. تجزیه این روش‌ها هر کدام یعنی بسنده کردن به حس، بسنده کردن به عقل، قلب و یا وحی، موجب نقصان شناخت خواهد شد و انحرافات بزرگی را به بار خواهد آورد.

قرآن، همواره سمع، بصر و فؤاد را که ابزار مختلف شناخت به شمار می‌آیند و همین طور، دنیا و آخرت، نفس و بدن و بعد روحانی و جسمانی انسان را با هم پیوند زده و مورد توجه قرار می‌دهد. شناخت حسی به عنوان مفتاح ابواب علوم کلی و جزئی است و شهود عرفانی قلۀ اوج معرفت انسان‌های عادی نسبت به خدا و جهان هستی است. هرکدام آداب و مقرراتی مخصوص به خود دارد که باید به دقت به آن پرداخت. مهم این است که این دو روش شناخت در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار گرفته، نتایج جدیدی از آن استخراج شود.

می‌توان مدعی شد که پیشوایان معصوم(ع) نیز به عنوان قرآن ناطق، همین شیوه را در شناخت و تبیین حقایق ارائه کرده‌اند. هم بر شناخت حسی و کمک از حواس پنج‌گانه و استمداد از نیروی عقل برای درک واقعیات تأکید ورزیده‌اند و هم بر شناخت شهودی و قلبی. هم بر تعلیم و اکتساب علم حصولی تشویق نموده‌اند و هم بر تزکیه و تقویت علم حضوری.

در این تحقیق ابتدا کلیاتی درباره مسأله شناخت، مورد بررسی قرار گرفته و سپس شناخت حسی و شهود عرفانی تبیین شده است و پس از آن مسایل مرتبط با شهود عرفانی مانند چشم دل و بصیرت، در حد ارتباط با موضوع، مورد توجه قرار گرفته است.

در بخش پایانی ارتباط میان شناخت حسی و شهود عرفانی به صورت مستدل، با استفاده از آیات و روایات و مباحث فلسفی به اثبات رسیده است. به همراه آن آموزه‌های دینی مرتبط با حواس

پنج گانه به تفصیل با شیوه‌ای نوین و با توجه به موضوع اصلی پایان نامه مورد بررسی قرار گرفته است.

تیین «روش جامع» برای مسأله «شناخت» و بررسی فرهنگ و آداب به کار گیری هر یک از «حواس پنج‌گانه» در آموزه‌های دینی به ویژه آموزه‌های قرآنی با رویکرد عرفانی در یک مجموعه، هدفی است که نگارنده در پی تحقق آن بوده است.

امید است این تلاش ناچیز، در زمینه قرآن و اخلاق براساس آیه: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِ جِهَادٍ كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲)^۱ جهاد محسوب شود و گامی در راستای مقابله با جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای همگان به ویژه دانشگاهیان را برای مقابله با آن فراخوانده است، به شمار آید.

محمد جواد قاسمی

نیمه شعبان ۱۴۳۴ مطابق با نیمه تیرماه ۱۳۹۱

۱- «بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن(قرآن) با آنان جهاد بزرگی بنما!»

كليات



كليات

+++++

+++++

+++++

کلیات

این فصل که به کلیات پژوهش اختصاص دارد، نخست به بیان مسأله، اهداف و روش تحقیق و سپس به واکاوی پیشینه تحقیق و بررسی واژه‌های کلیدی تحقیق پرداخته است. این پژوهش با عنوان «تأثیر متقابل شناخت حسی و شهود عرفانی در قرآن» تنظیم گردیده است.^۱

واژگان کلیدی در این تحقیق عبارت است از: قرآن، شناخت، شهود، عرفان، حواس، سمع، بصر، قلب.

بیان مسأله

فرایند شناخت به این صورت قابل تبیین است که نخستین چیزهایی را که ما با آن برخورد می‌کنیم و آن‌ها را می‌شناسیم، با کمک حواس پنج‌گانه دریافت و با کمک عقل و قلب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ادراک می‌شوند. چنانچه حواس به کمک عقل تنها ظواهر اشیاء را ادراک نمود شناخت حسی و اگر کلیات و حقایق علمی را نیز ادراک نمود شناخت عقلی و اگر به کمک قلب (دل) باطن و ملکوت اشیاء را ادراک نمود شهود حاصل می‌شود. مشهود همچون دیگر انواع شناخت دارای مراتبی است. افراد معمولی از شهودات فطری و بدیهی بهره‌مندند و هر قدر با روش‌های افزایش شهود - که در این پژوهش به آن اشاره شده است - آن را تکامل بخشند، به مراتب بالاتری از شهود می‌رسند. این شهودات قلبی که به کمک شناخت حسی و عقلی به دست آمده است و ما از آن به باورهای قلبی و اعتقادی یاد می‌کنیم، بر نوع کارایی حواس تأثیر می‌گذارند. به این معنا که حواس تحت فرمان باورها و شهودات قلبی عمل می‌کنند. به عنوان مثال:

^۱-"counter effectiveness of sensory conception and mystical intuition in "QURAN

چشم انسان با رؤیت و شناسایی افراد، اشیا، اماکن و آیات آفاقی مانند آسمان، بر تقویت شهود عرفانی تأثیر می‌گذارد و از آن سو شهود عرفانی و یا به عبارتی بصیرت و چشم دل بر چشم سر تأثیر گذاشته و به آن فرمان می‌دهد تا صحنه‌های انتخاب شده توسط عقل و قلب را به تماشا بنشیند. سخن که یکی از رفتارهای انسان به شمار می‌آید حاکی از اعتقادات و باورهای قلبی اوست. همچنان که گفته‌اند: «تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد». باورهای قلبی او نیز در اثر بیان مطالب، متأثر، تقویت یا تضعیف خواهد شد.

گوش با دریافت پیام وحی و سخنان عارفانه بر تقویت شهود عرفانی افزوده و تأثیر می‌گذارد؛ همچنان که شهودات قلبی حاصل از شنیدن کلام الهی بر نوع کارآیی گوش‌ها مؤثر خواهد بود. لمس، مسّ و تبرک جستن از اشیا و اجسام مقدس مانند: حجرالاسود، ضریح امامان معصوم(ع) و تربت امام حسین علیه السلام، موجب تقویت باورهای قلبی و شهود عرفانی در انسان می‌شود، همان طور باورهای قلبی و شهود عرفانی موجب می‌شود تا شخص در آن مکان‌ها حضور یابد. چشیدن و چشانیدن و خوردن و خوراندن رزق حلال و غذاهای مقدس، مانند نذورات مؤمنین در جلسات مذهبی و یا باقی مانده غذای مؤمنان، موجب افزایش شهودات قلبی شده و از آن سو شهودات قلبی و باورهای دینی موجب می‌شود تا انسان بتواند طعم غذاهای مذکور را احساس نموده، به تمسخر نگیرد.

بوی عطر در هنگام عبادت و استشمام بوی خوش حرم‌های مقدس و افراد مؤمن، بر شهود عرفانی افراد تأثیر گذاشته و از آن سو شهود عرفانی و ایمان قلبی موجب می‌شود تا افراد در این مکان‌ها حضور یافته و یا با مؤمنان همراه شوند.

این رابطه دوسویه میان همه حواس و قلب، یا شناخت حسی و ادراکات قلبی و در تمامی رفتار آدمی جریان دارد. این رابطه را این گونه می‌توان ترسیم کرد.

→ شناخت حسی ← شناخت عقلی و فهم مکتب(ایدئولوژی + جهان بینی) ← شهود عرفانی
→ → →

بدیهی است در این رابطه دوسویه، تأثیر شهود عرفانی بر شناخت حسی بیش از تأثیر شناخت حسی بر شهود عرفانی است. زیرا از اعتبار و قدرت بیشتر و قلمرو وسیع تری برخوردار است؛ البته در اصل همه حواس ظاهری، حواس باطنی و فؤاد، تحت فرمان نفس و روح مجرد یا قلب روحانی باطنی، انجام وظیفه می‌نمایند «فالحاکم المطلق فی وجود الإنسان ظاهرا و باطنا: هو الروح» (مصطفوی، ۹، ۱۳۸۵: ۳۰۵) و همه یکی محسوب می‌شوند. «فالقلب و النفس و الروح بمعنی

واحد، و يطلق كلَّ منها في مورد یناسبه: ما جعلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ- ۴/۳۳» و هو فی وحدته كلَّ القوی (همان).

تجهیز انسان به امکانات عظیم و پیچیده معرفتی که مافوق همه امکاناتی است که به دیگر موجودات زمینی و حتی آسمانی عطا شده است، بیانگر رمز و راز برتری انسان بر دیگر کائنات است؛ که هیچ کدام نتوانستند بار امانت سنگین ولایت، اختیار، عشق و معرفت را بر دوش بگیرند و همگی از تحمل آن سر باز زدند.

نکته قابل توجه درباره شناخت این است که انواع ادراکات آدمی اعم از حسی، تخیلی و تعقلی و نوع تعامل آن‌ها با یکدیگر، در امر سعادت واقعی و وصول به کمال‌نهایی، نقش اساسی ایفا می‌کنند. با نادیده گرفتن هر یک از این انواع شناخت، نقصی در وصول به کمال پدید خواهد آمد. در این میان شناخت حسی نقش مقدماتی داشته و بیشتر، از طریق چشم و گوش (سمع و بصر) به دست می‌آید (طه: ۱۰-۱۲). این نوع شناخت نسبت به کمال نفس، کسب فضایل و معارف و پرهیز از رذایل، از نقش بی‌بدیلی برخوردار است. به عبارت دیگر، گوش و چشم از پرکارترین و مؤثرترین حواس پنج‌گانه و مرتبط‌ترین آن‌ها با دیگر حواس و دیگر قوا و استعدادهای آدمی هستند که نقش ویژه‌ای در ارتباط با رفتارهای آدمی و به خصوص رفتار اخلاقی و عرفانی دارند.

میان ادراکات حسی، تعقلی و شهودی برای رسیدن به حقیقت، همکاری، تأثیر و تأثر متقابل و ارتباط مستقیم وجود دارد. شهود عرفانی، دارای مراتب مختلف است که با شناخت حسی و عقلی، با شیوه‌های خاص حاصل می‌شود. این شهود، بر شناخت عقلی و ادراک حسی بی‌تأثیر نیست. از این رو ضرورت دارد که علاوه بر توصیف شناخت حسی و شهود عرفانی به تبیین رابطه متقابل ادراکات حسی با شهود عرفانی پرداخته و روابط متقابل بین ادراکات حسی با شهود عرفانی، مشخص گردد. در این باره، ابتدا باید موارد زیر، بررسی شود:

- ۱- دیدگاه قرآن در باره شناخت حسی، انواع، قلمرو و درجه اعتبار آن چیست؟
 - ۲- دیدگاه قرآن در باره شهود عرفانی، انواع، شرایط و درجه اعتبار آن چیست؟
 - ۳- از نظر قرآن چه نوع رابطه‌ای میان شناخت حسی و شهود عرفانی وجود دارد؟
- مطالب فوق را در دو قسمت زیر بهتر می‌توان تبیین نمود:

الف: شناخت جامع

در میان اندیشمندان برخی حس‌گرایان مانند جان لاک، هیوم، ویتگنشتاین، کارنپ و راسل شناخت حسی را به تنهایی برای ادراک، کافی و شناخت را یک مرحله‌ای و دارای یک ابزار می‌دانند. برخی عقل‌گرایان مانند ایده‌آلیسم هگل در غرب بر شناخت عقلی و صرفاً ابزار عقل تأکید می‌ورزند

و برخی دیگر مانند برخی از عرفا شهود عرفانی و ابزار قلب را تنها راه کشف حقایق می‌دانند. شناخت مورد توجه قرآن، شناختی جامع است. معارف قرآن و حقایق عالم هستی زمانی به طور کامل و دقیق شناخته می‌شوند که با حواس، عقل و قلب به صورت جامع مورد ادراک قرار گیرند. در فهم سه بخش کلی اسلام (عقاید، احکام و اخلاق) اگر چه در عقاید و اخلاق که بیشتر مربوط به جوانح است، شناخت عقلی و شهودی بیشتر کار آیی دارد و در احکام که بیشتر مربوط به جوارح است، شناخت حسی نقش بیشتری ایفا می‌کند، اما در هر سه مورد، هر سه نوع شناخت مرتبط باهم لازم است. به عنوان مثال: تأکید بر شناخت حسی برای مشاهده آثار خدا. تأکید بر شناخت عقلی برای برهان و استدلال بر وجود او و تأکید بر شهود عرفانی به منظور تعمیق ایمان درونی نسبت به وجود خدا و آموزه های دینی با هم، شناخت کامل و جامعی را به دست می‌دهد.

هر سه مقام ظاهر، باطن و تأویل قرآن را اگر چه ظاهراً بیشتر با شناخت حسی و باطن با شناخت عقلی و تأویل آن از نظر کسانی که تأویل را غیر از باطن می‌دانند مانند علامه طباطبایی (ذیل آیه ۷ آل عمران)، با شناخت شهودی مرتبط است، باید با هر سه نوع شناخت حسی، عقلی و شهودی توأم با هم و با همه امکانات شناختی مورد ملاحظه قرار داد. تجزیه هر یک از این شناخت‌ها و عدم توانایی برای استفاده از هر یک از این امکانات شناختی، ضعف معرفتی و نقصان شناختی را به دنبال خواهد داشت. از این رو تنها انسان کامل است که از این شناخت جامع قرآن، بهره‌جسته و به معرفت کامل، همه جانبه و خطا ناپذیر دست پیدا می‌کند. حال با توجه به این بحث، مسأله اصلی این است که چگونه قرآن کریم مسأله تاثیر متقابل شناخت حسی و شهود عرفانی را تبیین نموده است.

ب: مراتب شناخت

اگر چه هر سه نوع شناخت حسی، عقلی و شهودی از دیدگاه قرآن با هم مرتبط و دارای ارزش و اعتبار می‌باشند، اما ارزش و اعتبار آن‌ها مساوی نیست. شناخت حسی ناقص تر و نسبت به شناخت عقلی خطاپذیرتر است و همچنین شناخت عقلی نسبت به شناخت شهودی از ثبات و قطعیت کم تری برخوردار است. هر سه نوع شناخت در مقابل وحی، ناقص و بی مقدار است «وما اوتیتم من العلم الا قليلا» (اسراء: ۸۵).

هر یک از انواع شناخت نیز مشکک و ذو مراتب و در افراد از درجات بسیار متفاوتی برخوردار است. به عنوان مثال: مفهوم شهود در قرآن هم برای افراد عادی و نوع بشر به کار رفته است «اشهدهم علی انفسهم» (اعراف: ۱۷۲) و هم برای خدا و ملائکه و اولوالعلم «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ

الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران : ۱۸). بدیهی است که شهود در موارد فوق یکسان نیست.

بنابر این اگرچه مسأله انبیا و موضوع وحی و نبوت به طور کامل جدا و فراتر از شهود عرفانی است و نیاز به پژوهش تفصیلی دیگری دارد، اما به لحاظ این که حقیقت شهود، ادراک و کشف و مشاهده غیب عالم هستی است، در این پژوهش برای تبیین موضوع گاه به آن استناد جسته ایم.

سؤال‌های تحقیق

برای تبیین مسأله «تأثیر متقابل شناخت حسی و شهود عرفانی» چند پرسش اصلی و فرعی مطرح است:

الف: سؤال‌های اصلی پژوهش عبارت است از:

- ۱- از دیدگاه قرآن حواس ظاهری و شناخت حسی از چه جایگاه و اعتباری برخوردارند؟
- ۲- «شهود عرفانی» در قرآن چه جایگاهی دارد؟ و امکان و اعتبار آن چگونه تبیین می شود؟
- ۳- میان شناخت حسی و شهود عرفانی چه رابطه ای وجود دارد؟

ب: سؤال‌های فرعی عبارت است از:

- ۱- نقش شناخت حسی در کاربرد آموزه‌های دینی و نقش آموزه‌های دینی در به کارگیری حواس کدام است؟
- ۲- تأثیر باورها و ارزش‌ها بر شناخت حسی چگونه است؟
- ۳- آیا شهود عرفانی امری ذاتی و یا اکتسابی است؟
- ۴- آیا شناخت حسی تحت تأثیر شهود عرفانی است؟ چرا برخی افراد از شناخت عقلی و شهود عرفانی بی‌بهره‌اند و به شناخت حسی بسنده می کنند؟

فرضیه‌ها

فرضیه‌ها در این تحقیق عبارت است از:

- ۱- از نظر قرآن حواس ظاهری و شناخت حسی به عنوان مقدمه ای برای شهود عرفانی به شمار می آید.
- ۲- شهود عرفانی، پس از وحی از اعتبار بالایی نسبت به سایر شناخت‌ها برخوردار است.
- ۳- میان حواس ظاهری و شهود عرفانی رابطه هم افزایی و تأثیر و تأثر وجود دارد.